

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی ارتباط «نماز و خانواده» در قرآن

نگارش: احد داوری

تابستان ۱۳۸۹

ahaddavari@gmail.com

به نام خدا

بررسی ارتباط «نماز و خانواده» در قرآن

نگارش: احد داوری

چکیده

از آغاز زندگی انسان بر روی کره خاکی، مردان و زنان با تشکیل کانونی به نام «خانواده» در کنار یکدیگر عمری سپری کرده و فرزندان پرورش داده اند که در جامعه امروزی پایه‌های گرم و صمیمی آن سست شده است؛ ولی در تعلیمات اسلام نگرشی عمیق به مقوله زندگی خانوادگی مطرح است، به طوری که می‌توان حمایت قاطع از خانواده را در لابلای متون دینی دید، تا آنجا که مساله تشکیل «خانواده» نوعی عبادت پروردگار محسوب می‌شود.

از طرفی دیگر «نماز» ستون دین و محور تمامی اعمال و طاعات انسانی است، بازدارنده از فحشا و منکر، ذکر اکبر پروردگار، کلید بهشت و کوبنده شیطان است که اگر قبول شود عبادات دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرد و اگر پذیرش نشود دیگر اعمال و طاعات عروج نمی‌کند و «قرآن» کتابی است نازل شده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم که بیانی برای مردم و رهنمود و اندرزی برای پرهیزکاران، حقیقتی یقینی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و هیچ باطلی در آن راه ندارد و به آیینی راهبری می‌کند که پایدارتر است.

آنچه در این مجال مورد کنکاش قرار می‌گیرد یافتن رابطه «نماز» و «خانواده» در آیات «قرآن» می‌باشد؛ که در قرآن کریم خداوند بارها مردم را به اقامه نماز دعوت کرده (وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ) و گاهی خطاب به شخص پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرموده است: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ**؛ اما به طور کلی می‌توان ارتباط نماز و خانواده را در آیات قرآن در سه عنوان کلی مطرح کرد: خانواده و امور مذهبی، دعا برای خانواده در باره نماز و امر خانواده به نماز.

در قرآن کریم آیاتی را ملاحظه می‌کنیم که از نهایت توجه والدین به امور معنوی و مذهبی فرزندان حکایت دارد از جمله توجه حضرت نوح به فرزند خود، دعا و استغفار حضرت یعقوب علیه السلام برای فرزندانش و...، اما آیاتی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام برای نماز گزار بودن نسل و خانواده بیان شده است نظیر: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ در فرهنگ متعالی اسلام فقط به دعا برای خانواده اکتفا نشده است، بلکه در گروهی دیگر از آیات دستور داده است تا پیامبر خانواده خود را به طور مستقیم به نماز امر کرده و بر آن پافشاری نماید: **وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا**. که بیانگر اجتماعی بودن نماز است.

ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مفسران قرآن به این آیه شریفه عمل کرده و بارها خاندان خود را به نماز امر کرده و اهمیت آن را متذکر شده اند؛ بلکه پیامبر امر به نماز را از خاندان خود شروع کرده تا الگویی برای دیگران باشد و البته مردم را نیز به این سنت ترغیب نموده است. در قرآن از سایر شخصیت‌ها نیز سخن به میان آمده که خانواده خود را به نماز امر نموده اند از جمله اسماعیل صادق الوعد و حضرت لقمان تا خود و کسان خود را از آتش دوزخ حفظ نمایند.

نتیجه این که قرآن کریم هدایت جامعه را از آحاد مردم آغاز می‌کند؛ در مرتبه دیگر، دستورهای خود را متوجه خانواده کرده روابط عاطفی و معنوی بین دو همسر و فرزندان را تبیین می‌کند و خانواده‌های نمونه و رفتار شایسته آنان را از پیامبران و غیر آنها بیان می‌کند تا الگویی برای همه پیروان راستین حق و حقیقت باشند.

واژگان کلیدی: نماز، خانواده، قرآن، ارتباط.

۱- مقدمه

از آغاز زندگی انسان بر روی کره خاکی، مردان و زنان با تشکیل کانونی به نام «خانواده» در کنار یکدیگر عمری سپری کرده و فرزندان پرورش داده اند و جامعه بزرگ کنونی از واحد های کوچکتر خانواده تشکیل شده است و بی شک هر اندازه این واحدهای کوچک از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد استحکام جامعه نیز بیشتر خواهد بود. البته در جامعه امروزی پایه های گرم و صمیمی خانواده سست و لرزان شده است؛ تهاجم بی وقفه فرهنگی غرب بنیان جامعه را نشانه رفته و سعی در نابودی آن دارد، به طوری که مشکل روابط خانوادگی را می توان جهانی نامید؛^۱ نه احترامی از سوی فرزندان رعایت می شود و نه محبتی از سوی پدران نثار فرزندان و نه پیوند و مهر و عاطفه ای از سوی همسران وجود دارد؛^۲ ولی در تعلیمات اسلام نگاه دیگری به مقوله زندگی خانوادگی مطرح است، نگاهی که اعجاب هر انسان منصفی را برمی انگیزد، نگاهی برخاسته از نگرش عمیق اسلام و احترام والای او به زن و مرد به عنوان اولین هسته تشکیل دهنده خانواده. به طوری که می توان در لابلای آیات قرآنی و روایات نورانی پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام تشویق به تشکیل چنین مجموعه ای و حمایت قاطع از آن را دید. در یک بررسی کوتاه می توان ابعاد مختلفی از احکام مربوط به خانواده را در لابلای آیات قرآن یافت که نشان می دهد مساله «تشکیل خانواده» از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و نوعی عبادت پروردگار محسوب می شود.^۳

با این حال از هر گوشه و کنار محیط زندگیمان، صدا و نغمه ای برخاسته و با نهضت و مبارزه ای ناشی از تضاد فکری و مکتبی شکل گرفته است در چنین موقعی لزوم تیزبینی و جداسازی سره از ناسره پیداست؛ به ویژه که در عصر ما شبهاتی پیدا شده که در قدیم نبوده و تأییداتی پیدا شده که از مختصات پیشرفت های علمی جدید است و بسیاری از شبهات قدیم در زمان ما بلاموضوع است، همچنانکه بسیاری از تأییدات گذشته، ارزش خود را از دست داده است.^۴

از طرف دیگر مطالعه و پژوهش در بخش معارف قرآنی از اهمیتی ویژه برخوردار است و با ارزش تر آن است که معارف قرآن از خود قرآن بررسی شود؛ به دیگر سخن با کمک آیات قرآن، نظر خود قرآن درباره مطلبی خاص مورد کنکاش قرار گیرد و نوعی تفسیر «قرآن به قرآن» ارائه گردد، یعنی همان کاری که برخی مفسران از آغاز حیات اسلام به آن روی آورده اند، و اعمال و تبیین آن در عصر حاضر به صورتی نوین متداول گشته است^۵ که نمونه کامل و بارز آن تفسیر المیزان علامه طباطبایی است.

۱. رک. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در خانواده، ص ۱۳۶

۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، ج ۲۱ ص ۳۳۴.

۳. رک. پیشین، ج ۲، ص ۱۳۵.

۴. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۳۸

۵. رک. رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، صص ۲۶۳-۲۶۷.

۶. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، ص ۳۶۱.

اشاره به این نکته نیز ضروری می‌باشد که نماز ستون دین است^۱ و با توجه به اینکه محور تمامی اعمال و طاعات انسانی است که اگر قبول شود عبادات دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرد و اگر نماز پذیرش نشود دیگر اعمال و طاعات عروج نمی‌کند و مقبول واقع نمی‌شود^۲ بسیار شایسته است که راجع به آن معرفت و ایمان را فزونی بخشید و تا حدی در این راستا کوشید که لذت گفتگو و مناجات با خدا را چشید.^۳

پس جای دارد که با نگاهی دقیق به قرآن ارتباط تنگاتنگ نماز و خانواده را در لابلای آیات آن جستجو نماییم که تنها راه نجات جامعه بشری در رجوع به قرآن و عمل به فرامین معصومین علیهم السلام است.

۲- بررسی واژگان

درک و انتقال معانی، بدون به کارگیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیرهمسان از واژگان موجب بروز مشکل در فهم مقصود می‌گردد؛ لذا گریزی نیست از اینکه برخی از واژگان که اهمیتی ویژه برای تحقیق دارند و در نوشتار مکرر به کار بسته شده‌اند توضیح داده شوند تا معانی‌ای که نویسنده از آنها در ذهن دارد به همان صورت به خواننده منتقل گردد و فرایند انتقال پیام ناکام نماند، برای نیل به این مقصود در این قسمت به بررسی کوتاه واژه‌های «قرآن»، «نماز» و «خانواده» می‌پردازیم. و در ادامه محورهای مختلف ارتباط نماز و خانواده را در آیات قرآن کریم مورد کنکاش قرار خواهیم داد.

۲-۱- قرآن

قرآن کتابی است نازل شده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم^۴ که به آن فرقان^۵، ذکر^۶، تنزیل^۷ و کتاب^۸ نیز گفته می‌شود؛ و مجموع کلمات و آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون به طور پراکنده نازل شده است، سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است^۹ و این کلمات و عبارات از بیانی است که از طریق وحی نازل گردیده و در مصاحف و دفاتر گرد آمده و به تواتر به ما رسیده و قرآن موجود همان کلام الهی است که مردم مأمور به قرائت و عمل به

۱. رک. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. رک. ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. جوادی آملی، عبدالله؛ رازهای نماز، ص ۱۰.

۴. کِتَابُ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ؛ ابراهیم: ۱. وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ؛ انعام: ۱۹.

۵. تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ؛ فرقان: ۱.

۶. إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ؛ حجر: ۹. وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ؛ نحل: ۴۴.

۷. وَإِنَّهُ لَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ شعراء: ۱۹۲.

۸. وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ...؛ مریم: ۵۶، ۴۱، ۱۶.

۹. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، ص ۳۱.

مضامین آن می‌باشند و هیچ‌گونه دستبرد و تحریف و زیادت و کاستی در آن راه نیافته است.^۱ کتابی است که بیانی برای مردم و رهنمود و اندرزی برای پرهیزکاران^۲، بینش‌بخش و رحمت برای قومی که یقین دارند^۳، حقیقتی یقینی^۴ یقینی^۴ که در حقایق آن هیچ تردیدی نیست^۵ و هیچ باطلی در آن راه ندارد^۶ و به آیینی راهبری می‌کند که پایدارتر پایدارتر است.^۷

خداوند قرآن کریم را «کتاب مبین» معرفی می‌کند^۸ و در سوره مبارکه انعام می‌فرماید: *وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ*^۹ مقصود از رطب و یابس به قرینه قبل و بعد آیه، علم همه اشیاء است و هیچ چیز از آن مستثنا نخواهد بود؛ زیرا منظور از «تر» و «خشک» معنی لغوی آن نیست؛ بلکه این تعبیر معمولاً کنایه از عمومیت می‌باشد.^{۱۰} چنانکه در آیه دیگری نیز می‌فرماید: *مَا فَزَّنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ*^{۱۱} که ممکن است منظور از کتاب قرآن کریم باشد که همه چیز (یعنی تمام اموری که مربوط به هدایت و تکامل انسان است) در آن وجود دارد؛ البته گاهی به صورت کلی بیان شده مانند دعوت به هرگونه علم و دانش و گاهی به جزئیات هم پرداخته شده است مانند بسیاری از احکام اسلامی و مسائل اخلاقی^{۱۲}.

۲-۲- نماز

نماز وظیفه‌ای معین در اوقات مشخص^{۱۳}، بازدارنده از فحشا و منکر و ذکر اکبر پروردگار^{۱۴}، از مهمترین سفارش‌های انبیا^{۱۵}، نور چشم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم^{۱۶}، داروی تکبر^{۱۷}، کلید بهشت^{۱۸}، وسیله نزدیک

۱. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷.

۲. هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ آل عمران: ۱۳۸.

۳. هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ؛ جاثیه: ۲۰.

۴. وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْبَقِيَّةِ؛ حاقه: ۵۱.

۵. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ بقره: ۲.

۶. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ؛ فصلت: ۴۲.

۷. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ اسراء: ۹.

۸. قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ؛ مائده: ۱۵.

۹. و هیچ‌تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن [ثبت] است. انعام: ۵۹.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۵، ص ۲۷۱.

۱۱. ما هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکرده ایم. انعام: ۳۸.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۵، ص ۲۲۲.

۱۳. إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا؛ نساء: ۱۰۳.

۱۴. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ عنکبوت: ۴۵.

۱۵. يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ لقمان: ۱۷.

۱۶. رک. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۲۱.

۱۷. رک. ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷ نیز رک. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ وسائل الشیعة؛

شدن انسان به خداوند^۱ و کوبنده شیطان است^۲. نماز از جمله آخرین سفارش‌های علی علیه‌السلام به اصحابش است^۳ است^۴ و در قرآن کریم اصل دومی که بعد از ایمان به غیب به عنوان نشانه متقیان شمرده شده است بر پا داشتن نماز است^۴ که بیانگر ارتباط نزدیک نماز با خودسازی می باشد؛^۵ نماز شرط قبولی سایر اعمال انسان^{۶*} و مایه تقرب هر انسان پرهیزکار است^۷.

۲-۳- خانواده و هدف از تشکیل آن

اگرچه همه ما واژه «خانواده» را به کار می‌بریم؛ اما شاید تصور همه از آن یکسان نباشد، زیرا توصیف خانواده کار مشکلی است. در نظر بسیاری از مردم خانواده به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متاهل و فرزندان آن است که در خانه ای در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.^۸

پس می‌توان عناصر اصلی تشکیل خانواده را زن و مردی دانست که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش زندگی را در کنار همدیگر آغاز می‌کنند و احتمالاً فرزندان به جمع آنها افزوده می‌گردد. برخلاف نظر عموم مردم که فرزندان را جزء ضروری خانواده می‌دانند از دیدگاه قرآن خانواده هایی وجود دارد که خداوند هیچ فرزندی به آنها عطا نمی‌کند:

لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيًّا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ^۹

فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد. یا آنها را پسر[ان] و دختر[انی] توأم با یکدیگر می‌گرداند، و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا.

هدف از تشکیل و تداوم خانواده به تناسب زن و مردی که آن را تشکیل می‌دهند متفاوت است که برخی از اهداف آن را به طور اجمال می‌توان تحقق جامعه سالم، تداوم نسل، تامین نیازهای اساسی، تربیت اجتماعی نسل،

۱. ر.ک. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. ر.ک. آمدی، عبدالواحد بن محمد (م ۵۱۰ق)؛ غرر الحکم، ص ۱۷۵.

۳. ر.ک. نهج البلاغه، خ ۱۹۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۶.

۴. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ. بقره: ۲.

۵. ر.ک. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۳۳.

۶. ر.ک. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸؛ ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۸؛ طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۲، ص ۲۳۹.

* با توجه به آیات قرآن کریم اولین دلیلی که دوزخیان برای جهنمی شدنشان عنوان می‌کنند، نماز نخواندن است: مَا سَأَلَكُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. مدثر ۴۲ و ۴۳.

۷. ر.ک. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۰ و ج ۴، ص ۴۱۶؛ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

۸. محمودیان، حسین و دیگران؛ دانش خانواده، ص ۷۷.

۹. شوری ۴۹ و ۵۰.

حراست ایمان، جمال اجتماعی، رشد و بالندگی دانست.^۱ ولی در منطق قرآن هدف از تشکیل خانواده آرامش انسان و دوستی و مهربانی معرفی شده است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۲

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه هایی است.

و در آیه دیگری ایمان به پروردگار و عدم کفران نعمت:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَوَدَّةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَقْبَالَطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ۳

و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟

۳- محورهای ارتباط نماز و خانواده

در باره نماز و اهمیت آن در بحث های گذشته مطالبی ذکر شد؛ در قرآن کریم خداوند بارها مردم را به اقامه نماز دعوت کرده و می فرماید: **وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ*** و گاهی خطاب به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ^۵** و در آیه دیگر می فرماید: **قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ^۶**. اما به طور کلی می توان ارتباط نماز و خانواده را در آیات قرآن در سه عنوان کلی زیر مطرح و به ترتیب مورد بررسی قرار داد:

الف: خانواده و امور مذهبی (به طور کلی)

ب: دعا برای خانواده در باره نماز

ج: امر خانواده به نماز

شایان ذکر است که اگر والدین در محیط خانه به ترتیب فوق به مساله نماز اهمیت دهند می توان ادعا نمود که مشکل نماز در جوانان تا حدودی بر طرف شود. در مرتبه اول توجه والدین باید به طور کلی به مسائل مذهبی معطوف باشد، اعم از نماز و غیر نماز. اما به جهت اهمیت مساله نماز، باید به طور ویژه روی آن تاکید و سفارش نمود و از خداوند خواست تا نسلی فرمانبردار و نمازگزار داشته باشند و در مرتبه سوم باید به طور مستقیم به نماز امر کرد.

۱. محمودیان، حسین و دیگران، دانش خانواده، ص ۹۶-۸۴

۲. روم: ۲۱.

۳. نحل: ۷۲.

* البته قرآن نمی گوید نماز نمی خوانند؛ بلکه می فرماید: نماز را برپا می دارند و اقامه (برپاداشتن) نماز آن است که حق نماز ادا شود و به صورت بیکر بی روح انجام نگیرد؛ بلکه نمازی باشد که واقعا بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد و این است معنی «ذکر الله» که در آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۱۴) بدان اشاره شده است، یاد خدا مساوی است با فراموش کردن غیر خدا (مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، ج ۲؛ ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

۵. و نماز را بر پا دار. هود: ۱۱۴؛ اسراء: ۷۸؛ عنکبوت: ۴۵.

۶. به آن بندگانی که ایمان آورده اند بگو: «نماز را بر پا دارند». ابراهیم: ۳۱.

قابل توجه این که قرآن کریم هدایت جامعه را از افراد خانواده آغاز می‌کند؛ زیرا جامعه را قوم و قبیله و عشیره می‌سازد و هر یک از اینها نیز از کانون خانواده و افراد سرچشمه می‌گیرد. خطاب‌ها و احکام قرآن در مرتبه نخست متوجه آحاد مردم است و همه آنها را به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند و در مرتبه دیگر، دستورهای خود را متوجه خانواده کرده روابط عاطفی و معنوی بین دو همسر و فرزندان را تبیین می‌کند. قرآن کریم در آیات نورانی خود، خانواده‌های نمونه و رفتار شایسته آنان را از پیامبران و غیر آنها بیان می‌کند تا الگویی برای همه پیروان راستین حق و حقیقت باشند. خدای سبحان در کتاب خود به هر فرد مسلمان و مومنی دستور می‌دهد تا خود و خانواده خود را از تقوای الهی و هدایت قرآنی بهره‌مند سازد؛ بنابراین، روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و به جامعه ایمانی سرایت می‌کند.^۱

اشاره به این نکته نیز لازم است که نقش «نماز» در تربیت فرزندان تا آنجایی اهمیت دارد که خداوند در بیان آداب ورود فرزندان به جایگاه مخصوص پدر و مادر، نماز را محور قرار داده و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نيمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این]، سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده کار است. و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده کار است.

۳-۱- خانواده و امور مذهبی (به طور کلی)

در قرآن کریم آیاتی را ملاحظه می‌کنیم که از نهایت توجه والدین به امور معنوی و مذهبی فرزندان حکایت دارد که به جهت اختصار فقط به ذکر آیات می‌پردازیم:

۳-۱-۱- در باره توجه حضرت نوح به فرزند خود در سوره هود می‌خوانیم:

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَأُوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ^۳

۱. رک. جوادی آملی، عبدالله: قرآن در قرآن؛ ص ۲۵۱-۲۵۳.

۲. نور: ۵۸ و ۵۹.

۳. و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد: «ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش.» هود: ۴۲ و ۴۳.

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه آسا می‌برد، و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد: «ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش.» گفت: «به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد.» گفت: «امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست، مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند.» و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق شدن گران گردید.

۳-۱-۲- توجه حضرت یعقوب علیه السلام برای فرزندان نیز قابل توجه است، در چندین آیه از سوره یوسف این توجه به چشم می‌خورد، که نمونه کامل یک تربیت مذهبی می‌باشد؛ از جمله در آیات زیرنمونه‌های از تربیت و توجه این پیامبر به فرزندان را می‌خوانیم:

۳-۱-۲-۱- قَالَ يَا بَنِيَّ ... إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ^۱

[یعقوب] گفت: «ای پسرک من ... شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است

۳-۱-۲-۲- فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسَلْنَا مَعَنَا آخَانًا نَكْتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ قَالَ هَلْ ءَأَمَنَكُمُ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمَنَكُمُ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^۲

پس چون به سوی پدر خود بازگشتند، گفتند: «ای پدر، پیمانمان از ما منع شد. برادرمان را با ما بفرست تا پیمانمان بگیریم، و ما نگهبان او خواهیم بود.» [یعقوب] گفت: «آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا بهترین نگهبان است، و اوست مهربانترین مهربانان

۳-۱-۲-۳- إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ^۳

فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند

۳-۱-۲-۴- قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ^۴

[یعقوب] گفت: «[چنین نیست]، بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است. پس [صبر من] صبری نیکوست. امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد، که او دانای حکیم است.»

۳-۱-۲-۵- إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۵

گفت: «من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم، و از [عنایت] خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»

۳-۱-۲-۶- وَلَا تَبْتَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُبَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ^۶

و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.»

۳-۱-۲-۷- قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۷

گفت: «آیا به شما نگفتم که بی‌شک من از [عنایت] خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟»

۱. یوسف: ۴ و ۵

۲. یوسف: ۶۳ و ۶۴

۳. یوسف: ۶۷

۴. یوسف: ۸۳

۵. یوسف: ۸۶

۶. یوسف: ۸۷

۷. یوسف: ۹۶

۳-۱-۲-۸- قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱

گفتند: «ای پدر، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم.» گفت: «به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم، که او همانا آمرزنده مهربان است.»

۳-۱-۳- توجه مادر حضرت مریم به فرزندش، نمونه دیگری از توجه به فرزندان در امور مذهبی می‌باشد،

قرآن این موضوع را چنین حکایت می‌کند:

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنكِ وَدَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ^۲

پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا، من دختر زاده‌ام- و خدا به آنچه او زایید داناتر بود- و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می‌دهم.»

۳-۱-۴- آخرین مورد از توجه امور معنوی خانواده را این بار از زبان برادر بشنویم، آن هم هنگامی که

موسی خشمناک و اندوهگین از میعادگاه طور به سوی قوم خود بازگشت و صحنه زنده و نفرت‌انگیز گوساله‌پرستی را مشاهده نمود و علاوه بر آنکه در برابر انحراف قومش تندی نشان داد، بلکه برای خود و برادرش هارون دست به دعا برداشت:

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَالْقَىٰ الْأَلْوَابِ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنُ أُمِّ الْقَوْمِ اسْتَضِعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^۳

و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و [موسی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. [هارون] گفت: «ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده.» [موسی] گفت: «پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در [پناه] رحمت خود در آور، و تو مهربانترین مهربانانی.»

۳-۲- دعا برای خانواده در باره نماز

در آیات قبل ملاحظه نمودیم که حضرت موسی علیه السلام برای آمرزش گناهان خود و برادرش به سلاح دعا متوسل شد، باید افزود که استفاده از سلاح دعا در قرآن منحصر به این مورد نیست و در مواردی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام برای نماز گزار بودن نسل و خانواده نیز اشاره‌هایی دعا گونه صورت گرفته است.

۳-۲-۱- در سوره بقره در بیان بالا بردن دیوار کعبه مطلق امور معنوی در نظر حضرت ابراهیم علیه السلام

بوده که در این زمینه می‌خوانیم:

۱. یوسف: ۹۷ و ۹۸

۲. آل عمران: ۳۶

۳. اعراف: ۱۵۰ و ۱۵۱

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتَنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^۱

و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند، [می‌گفتند:] «ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی. پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما بیخشی، که تویی توبه‌پذیر مهربان. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.»

۲-۲-۳- مورد دوم (البته از ترتیب فعلی سوره های قرآن) موقعی است که حضرت ابراهیم علیه السلام فرزند خردسال و همسر خود را در بیابان بی آب و علفی رها نمود:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ يَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ^۲

پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند

۳-۲-۳- در چند آیه بعد با صراحت بیشتری از خداوند می‌خواهد:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ^۳

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر.

۳-۳- امر خانواده به نماز

در قرآن کریم فقط به دعا برای خانواده اکتفا نشده است، بلکه در گروهی دیگر از آیات خداوند دستور می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خانواده خود را به طور مستقیم به نماز امر کرده و بر آن پافشاری نماید.^۴

۳-۳-۱- مهمترین ایه در زمینه امر خانواده به نماز در سوره طه قرار دارد: وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا^۵ و

کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش

که با توجه به اهمیت، به بررسی بیشتر آن می‌پردازیم:

۱. بقره: ۱۲۷-۱۲۹.

۲. ابراهیم: ۳۷.

۳. ابراهیم: ۴۰.

۴. البته در این آیه راه‌های امر به نماز اشاره نشده است و لذا باید با استفاده از سایر احادیث این شیوه‌ها را کشف کرد و البته از علوم روان‌شناسی و... نیز تا حدی که مخالف آیات قرآن و اصول مسلم مذهب نباشد استفاده نمود. که این مورد را به مجالی دیگر وا می‌گذاریم.

۵. طه: ۱۳۲.

صلاة: صلاة با مجموع مشتقاتش ۹۸ بار در قرآن به کار رفته است و به عبادت مخصوص «نماز» گفته می‌شود و در اصل به معنای «دعا» است؛^۱ هر چند برخی معتقدند معنای اصلی این واژه «تعظیم» است.^۲

اصطبر: اصل این واژه «اصتبر» است^۳ که به علت وجود «ص» تاء منقوطة قلب به طاء مولف شده است^۴ و به معنای صبر کردن بر اقامه نماز و همچنین صبر بر «امر به نماز» است^۵ البته دلالت «اصطبر» بر صبر کردن بیشتر از دلالت «اصبر» بر صبر نمودن است.^۶ برخی از معانی اصطبر در کتاب‌های تفسیری عبارت است از: محافظت کردن بر نماز و مداومت کردن بر امر به آن.^۷

امر: امر به معنی دستور دادن است که در قرآن کریم با مجموع مشتقاتش در ۲۴۹ مورد به کار رفته است و در کتب لغت با نقیض خود معرفی شده است: الامر: نقیض النهی^۸ لذا در ترجمه‌های فارسی آیه فوق از آن به «فرمان دادن»^۹، «امر کردن»^{۱۰} و... تعبیر شده است.

اهلک: اهل به معنی خانواده، فامیل و خویشاوندان است و در ترجمه‌های فارسی با عبارت‌های کسان^{۱۱}، خانواده^{۱۲}، اهل بیت^{۱۳}، اهل و خویشاوندان^{۱۴} و خاندان^{۱۵} تعبیر شده است و در لغت عرب «اهل الرجل» به معنی همسر (نزدیک ترین فرد به مرد)^{۱۶}، عشیره و نزدیکان^{۱۷} است، گاهی هم به «آل» ترجمه شده است که پیروان و تابعان و اهل ملت فرد را گویند.^{۱۸*}

۱. به خاطر اینکه در برخی از اجزایش دعا وجود دارد، همین قسمت جزئی بر کل این عبادت اطلاق شده است.
۲. نماز را از این جهت صلاة گفته اند که مشتمل بر تعظیم و بزرگداشت پروردگار است. (ابن منظور، محمد بن مكرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۶).
۳. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، ج ۱۳، ص ۳۴۶
۴. طیب، عبد الحسین؛ اطیب البیان، ج ۹، ص ۱۲۸.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۲۶۸-۴۵۸ق)؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۰.
۶. زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی (ر.ک. حسینی شیرازی، محمد؛ تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۳، ص ۵۲۰).
۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۷۵؛ سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۲۶؛ فخر رازی، محمد بن عمر (۵۴۴-۶۰۶ق)؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۱۱۵.
۸. ابن منظور، محمد بن مكرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب؛ ج ۴، ص ۲۶؛ خلیل بن احمد (۱۰۰-۱۷۵ق)؛ العین؛ ج ۸، ص ۲۹۷.
۹. آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن؛ انصاریان، حسین؛ ترجمه قرآن؛ مکارم شیرازی، ناصر؛ ترجمه قرآن و فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن.
۱۰. مشکینی، علی؛ ترجمه قرآن و معزی، محمد کاظم؛ ترجمه قرآن.
۱۱. آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن، اشرفی تیریزی، محمود؛ ترجمه قرآن، حلبی، علی اصغر؛ ترجمه قرآن، فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن.
۱۲. ارفع، کاظم؛ ترجمه قرآن، انصاریان، حسین؛ ترجمه قرآن، طاهری قزوینی، علی اکبر؛ ترجمه قرآن، مکارم شیرازی، ناصر؛ ترجمه قرآن.
۱۳. الهی قمشه ای، مهدی؛ ترجمه قرآن.
۱۴. فیض الاسلام، علی نقی؛ ترجمه قرآن.
۱۵. کاویانپور، احمد؛ ترجمه قرآن، مجتویی، جلال الدین؛ ترجمه قرآن، معزی، محمد کاظم؛ ترجمه قرآن.
۱۶. خلیل بن احمد (۱۰۰-۱۷۵ق)؛ العین، ج ۴، ص ۸۹.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مكرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۸.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد (۹۷۹-۱۰۸۵ق)؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۱۴.

در قرآن کریم اهل (و آل) گاهی در مورد پیروان یک مکتب به کار رفته است: مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ^۲

گاهی به پیروان یک شخص: وَإِذْ قَرَفْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ^۳

گاهی به ساکنان یک منطقه: وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا^۴

گاهی به خانواده (زن و بچه): ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ^۵

و گاهی به افرادی که ویژگی خاص مشترکی دارند اطلاق شده است: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۶

۳-۱-۲- مراد از اهل در این آیه

مفسران نظرهای مختلفی پیرامون مراد از اهل در این آیه ابراز کرده اند که به بررسی مختصر آنها
می پردازیم:

۱. مراد از اهل امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ همچون آیه ۵۵ سوره مریم که می فرماید: وَكَانَ
يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ^۷ و دلیل دیگر اینکه آیه از باب «ایاک عنی و اسمعی یا جارتی»^۸ است؛ لذا مراد از اهل، امت پیامبر
می باشد.^۹

البته هیچ دلیلی وجود ندارد که اهل را در آیه ۵۵ سوره مریم به معنای امت بگیریم، همچنین در آیات دیگر
قرآن امر به نماز در مورد سایر مسلمانان با واژه های دیگری به کار رفته است: وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ^{۱۰} و زمانی می توانستیم
آیه را از باب «ایاک عنی و اسمعی یا جارتی» بگیریم که آیات دیگری صراحت در موضوع (و یا اشاره ای هر چند
گذرا) نداشته باشند؛ لذا لزومی در تغییر مخاطب آیه نداریم.

۲. مراد از اهل، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. طبق نظر برخی از مفسران مراد از اهل در
این آیه شریفه؛ اهل بیت پیامبر و خانواده آن حضرت است.^{۱۱} علامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد بحث، منظور از اهل

* «آل» در اصل «اهل» می باشد که هاء تبدیل به همزه شده است و در تقدیر آل می باشد و به علت توالی دو همزه تبدیل به الف شده است مانند آدم (ابن منظور،
محمد بن مکرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۰) همچنین گفته شده است که تصغیر آل «اهل» است و این دلالت بر این می کند که اصل آل «اهل» است
(عسکری، حسن بن عبدالله (م ۳۹۵ق)؛ معجم الفروق اللغویة، ص ۸۴ و ۸۵).

۲. نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده اند، و نه مشرکان [هچکدام] دوست نمی دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید. بقره: ۱۰۵.

۳. هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم و فرعونیان را- در حالی که شما نظاره می کردید- غرق کردیم. بقره: ۵۰.

۴. و چون گروهی از آنان گفتند: «ای مردم مدینه، دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید.» احزاب: ۱۳.

۵. این حج [تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [مکه] نباشد. بقره: ۱۹۶.

۶. اگر نمی دانید از اهل ذکر پرسید. نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷.

۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۵۴۴-۶۰۶ق)؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۱۱۵.

۸. همانند این ضرب المثل فارسی: در به تو می گویم، دیوار تو بشنو.

۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۷۵.

۱۰. و نماز را به پا دارید. بقره: ۴۳، ۱۱۰؛ نور: ۵۶....

۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۴۲؛ طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۶۲؛ ترجمه تفسیر المیزان،

را بر حسب انطباقش به هنگام نزول آیه، خدیجه علیها السلام همسر آن حضرت و امیر مومنان علی علیه السلام می‌داند. و در ادامه تفسیر برخی مفسران در مورد اهل که آن را همه پیروان است، همسر و خویشاوندان از بنی هاشم و بنی مطلب دانسته‌اند صحیح نمی‌داند.^۱

از آنجا که این سوره در مکه نازل شده است^۲ و کسی مدعی مدنی بودن آیه نیست^۳ و خداوند در چند آیه قبل امر به نماز را منحصر در خود حضرت ختمی مرتبت کرده^۴ و فرموده: *وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا* *غُرُوبِهَا وَمِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى*^{۵*} و با توجه به اینکه آن حضرت را از چشم دوختن به زرو زیور دنیایی کفار نهی کرده است^۶ بر می‌آید که این سوره در اوایل بعثت نازل شده است و از ابن مسعود هم روایت شده که این سوره از سور عتاق یعنی قدیمی است.^۷

حاصل آنکه منظور از اهل در این آیه، فقط همسر پیامبر، حضرت خدیجه علیها السلام و امیر مومنان علی علیه السلام خواهد بود و اگر پیامبر دخترانی داشت شامل آنها نیز می‌شود^۸

اخبار بسیاری از ائمه اطهار علیهم السلام به این مضمون رسیده که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول این آیه، هر روز وقت نماز درب خانه علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌آمد و سلام کرده می‌فرمودند: *الصلاة يرحمكم الله إنَّما يريدُ اللهُ ليُذهبَ عنكمُ الرجسَ أهلَ البیتِ ويطهرکم تطهیراً*^{۹*} که ظاهراً این روایت‌ها از باب تطبیق خواهد بود؛ زیرا همانطوری که اشاره شد آیه مکی است.^{۱۰}

در بعضی از روایت‌ها نیز چنین آمده است که وقتی خانواده پیامبر دچار مشکل می‌شد پیامبر آنها را امر به نماز می‌کرد و آیه: *وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا* را تلاوت می‌فرمودند.^{۱۱}

۱. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۶۲؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۴.

۲. طبرسی، فضل بن حسن (۳۶۸-۴۵۸ق)؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳.

۳. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۶۲؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۴.

۴. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۵۸-۲۶۱؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۲۸-۲۳۲.

۵. و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که که خشنود گردی. طه: ۱۳۰.

* طبق نظر برخی مفسران منظور از تسبیح در این آیه اقامه نماز است. رک. طبرسی، فضل بن حسن (۳۶۸-۴۵۸ق)؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳ و طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۵۸-۲۶۱؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۲۸-۲۳۲.

۷. *وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زُخْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِيُفْتَنَهُمْ فِيهِ وَرَزَقُوا مِنْهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ*. طه: ۱۳۱.

۸. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۶۳؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۵.

۹. قرشی، علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۶، ص ۴۷۱.

۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۱۰۷ق)؛ البرهان، ج ۳، ص ۷۸۹؛ شریف لاهیجی، محمد بن علی (قرن ۱۱ق)؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۹۹؛ طیب، عبد الحسین؛ اطیب البیان، ج ۹، ص ۱۲۸؛ طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ الامالی، ص ۸۹ و ۲۵۱.

* خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. قسمتی از آیه شریفه ۳۳ احزاب.

۱۲. قرشی، علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۶، ص ۴۷۲.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱.

الف: از این آیه برمی آید که نماز تنها یک عبادت فردی نیست که شخص آن را در برابر پروردگارش به جای می آورد؛ بلکه نماز علاوه بر عبادت، یک عمل اجتماعی نیز است؛ این معنی از در کلمه «امر» و «اصطبر» فهمیده می شود که کلمه نخست دلالت بر ضرورت التزام جامعه به این عبادت دارد، در حالی که کلمه دوم حکایت از آن دارد که نماز یک عمل ساده نیست و همراه با مشقت ها و رنج هاست، پس باید در استمرار آن صبر و پایداری نشان داد!

ب: خداوند در سوره مزمل می فرماید: *إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ*^۲ که نشان می دهد طایفه ای از مومنان که اولین آنها امیر مومنان و حضرت خدیجه علیهما السلام (یعنی خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، خود نماز اقامه می کردند و این تکرار ظاهرا برای تاکید اهمیت مساله نماز در خانواده است. یا بیانگر اهمیت ویژه خانواده پیامبر می باشد، همانطوری که در روایتی از امام باقر علیه السلام به آن تاکید شده است. (قال ابو جعفر علیه السلام أمر الله تعالى أن يخص أهله دون الناس ليعلم الناس أن لأهله عندالله منزلة ليست للناس فأمرهم مع الناس عامة و أمرهم خاصة)^۳.

ج: مولف تفسیر نور از آیه چنین برداشت نموده است:

اولین مرحله تربیت کانون خانواده است « وَأْمُرْ أَهْلَكَ »

رهبر جامعه اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ».

همچنین مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنها کافی نیست « وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ »

فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شده اعضای خانواده است و موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت ویژه ای است و باید والدین بر آن اصرار کنند « وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا »^۴

د: ائمه اطهار علیهم السلام نیز به این آیه شریفه عمل کرده و بارها خاندان خود را به نماز امر کرده و اهمیت آن را متذکر شده اند؛ از جمله علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: *تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبَرُوا*

۱. گروهی از مترجمان؛ تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۲۰۸.

۲. در حقیقت، پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو، نزدیک به دو سوّم از شب یا نصف آن یا یک سوّم آن را [به نماز] برمی خیزید، مزمل: ۲۰.

۳. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۳؛ ج ۲۵، ص ۲۱۲؛ ج ۳۵، ص ۲۰۷؛ ج ۷۹، ص ۱۶۹؛ قمی، علی بن

ابراهیم (قرن ۳)؛ تفسیر علی بن ابراهیم القمی، ج ۲، ص ۶۷

۴. قرآنی کاشانی، محسن؛ تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۱۶.

مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا وَامام صادق عليه السلام نیز در آخرین لحظات عمر شریفشان فرمودند: لَا يَنْأَلُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَحَفَّ
بِالصَّلَاةِ^۲

هـ پیامبر امر به نماز را از خاندان خود شروع کرده است تا الگویی برای دیگران باشد و البته مردم را نیز به
این سنت ترغیب نموده است؛ چنانچه در حدیثی می خوانیم: قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم: رحم الله رجلا قام من
الليل فصلي وأيقظ امرأته فان أبت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت من الليل فصلت وأيقظت زوجها فان أبي نضحت في وجهه
الماء.^۳

خدا رحمت کند مردی را که شب بر می خیزد و نماز می گذارد و زنش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد بر صورتش آب می
پاشد (تا بیدارش کند و او هم نماز بگذارد) [همچنین] خداوند رحمت کند زنی را که شب بر می خیزد و نماز می گذارد و
شوهرش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد بر صورتش آب می پاشد.

در روایت دیگری چنین آمده است: إذا استيقظ الرجل من الليل وأيقظ أهله وصليا ركعتين كتبنا من الذكائر الله كثيرا
والذكارات.^۴

زمانی که مردی شب هنگام بیدار شود و همسرش را بیدار کند تا دو رکعت نماز بخوانند، از جمله زیاد یادکنندگان خداوند
شمرده می شوند (و از جمله افرادی می باشند که به آیه شریفه «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ... الذَّاكِرِينَ اللَّهَ
كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۵ عمل کرده اند).

۳-۲- در قرآن سخن از «اسماعیل صادق الوعد»^۶ به میان آمده که خانواده خود را به نماز امر می کرد:

وَادِرُّ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا^۷

۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰؛ ج ۹، ص ۱۵، ج ۱۵، ص ۹۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۶؛
مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۴ و ۳۱۰ و ج ۳۳، ص ۴۴۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۴؛ ج ۲۵، ص ۳۲۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰؛ مجلسی،
محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ق)؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۵۰ و ۴۳۶؛ ابو داود، سلیمان بن اشعث (۲۰۲-۲۷۵ق)؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۵ و ص ۳۲۶؛
نسائی، احمد بن علی (۲۱۵-۳۰۳ق)؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۲۰۵؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۳۲۱-۴۰۵ق)؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۰۹.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید (۲۰۹-۲۳۷ق)؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲۴؛ صنعانی، عبد الرزاق بن همام (۱۲۶-۲۱۱ق)؛ المصنف، ج ۳، ص ۴۸؛ ابی یعلی، احمد بن
علی (۳۰۷ق)؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۳۶۰؛ بکری، عثمان بن محمد (۳۱۰ق)؛ اعانة الطالبین، ج ۱، ص ۳۰۹؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۸۴۹-۹۱۱ق)؛
جامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۹.

۵. احزاب: ۳۵

۶. برخی از مفسران این فرد را اسماعیل فرزند ابراهیم علیهما السلام معرفی کرده اند (طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ ج ۱۰؛ التبیان، ج ۷، ص ۱۳۳؛ مقاتل بن
بن سلیمان (ق ۲هـ)؛ تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۶۳۱؛ نجفی خمینی، محمد جواد؛ تفسیر آسان، ج ۱۱، ص ۱۷۲؛ بانوی ایرانی، سیده نصرت بیگم؛ مخزن العرفان، ج ۸،
ص ۱۲۶) در حالی که برخی دیگر وی را اسماعیل فرزند حزقیل علیهما السلام معرفی کرده اند که به اسماعیل صادق الوعد مشهور است (قمی، علی بن
ابراهیم (قرن ۳)؛ تفسیر علی بن ابراهیم القمی، ج ۲، ص ۵۱؛ ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۷ و ۷۸؛ ابن قولویه، جعفر بن
محمد (۳۶۷ق)؛ کامل الزیارات، ص ۶۵؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۴۸۸-۵۸۸ق)؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۵؛ مفید، محمد بن
نعمان (۳۳۶-۴۱۳ق)؛ الامالی، ص ۳۹).

۷. مریم: ۵۴ و ۵۵.

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.

تکیه روی وفای به عهد و توجه به تربیت خانواده، به اهمیت فوق العاده این دو وظیفه الهی اشاره می کند.^۱ در این آیه امر به نماز به صورت فعل مضارع (كَانَ يَأْمُرُ) به کار رفته که نشان می دهد امر خانواده به نماز باید دائمی باشد.^۲

۳-۳-۳- سومین آیه مربوط به حضرت لقمان است که فرزند خود را به نماز امر می کند:

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ... يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ^۳

[یادکن] هنگامی را که لقمان به پس خویش - در حالی که او را اندرز می داد- می گفت:... ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش، این [حاکمی] از عزم [و اراده] تو در امور است

۳-۳-۴- آیه دیگری نیز اضافه می کنیم که با توجه به روایات ذکر شده در تفسیرش از جمله مصادیق آن اقامه نماز است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۴

ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید؛ بر آن [آتش]، فرشتگانی خشن، سختگیر [گمارده شده اند]. از آنچه که خداوند به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مامورند انجام می دهند.

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است.^۵ ائمه اطهار علیهم السلام در تفسیر این آیه شریفه به آیات ۱۳۲ سوره طه و ۵۵ سوره مریم استناد کرده اند، گویی ائمه می خواهند با شیوه تفسیر قرآن به قرآن نحوه نگهداری خویشتن و خانواده از آتش را امر به نماز معرفی کنند، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

و عنه صلي الله عليه وآله وسلم [عن أبي عبد الله جعفر بن محمد صلي الله عليه وآله وسلم] أنه قال لما نزلت هذه الآية يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا قَالَ اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكُرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ

۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۹۵.

۲. رک. قرآنی کاشانی، محسن؛ تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۸۴.

۳. لقمان: ۱۳-۱۷.

۴. تحریم: ۶.

۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

فَأَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَلَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا وَقَالَ أَذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

از امام صادق علیه السلام روایت شده که هنگامی که آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا نازل شد، مردم گفتند: چگونه خود را از آتش جهنم محافظت کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اعمال خیر انجام دهید و به خانواده خود نیز یادآوری نمایید و آنها را بر اطاعت خداوند تربیت نمایید؛ آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: مگر این آیه از قرآن را نخوانده اید که خطاب به پیامبر می فرماید: وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ همچنین می فرماید: قَالَ وَ أَذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

۵- نتیجه

عناصر اصلی تشکیل خانواده را زن و مردی هستند که زندگی را در کنار همدیگر آغاز می کنند و احتمالاً فرزندان به جمع آنها افزوده می گردد. که در منطبق قرآن هدف از تشکیل آن، آرامش انسان، دوستی و مهربانی، ایمان به پروردگار و عدم کفران نعمت می باشد.

در قرآن کریم خداوند بارها مردم را به اقامه نماز دعوت کرده که به طور کلی می توان ارتباط نماز و خانواده را در آیات قرآن در سه محور کلی خانواده و امور مذهبی، دعا برای خانواده در باره نماز و امر خانواده به نماز مطرح کرد.

قرآن کریم هدایت جامعه را از آحاد مردم آغاز می کند؛ در مرتبه دیگر، دستورهای خود را متوجه خانواده کرده روابط عاطفی و معنوی بین دو همسر و فرزندان را تبیین می کند. همچنین خانواده های نمونه و رفتار شایسته آنان را از پیامبران و غیر آنها بیان می کند تا الگویی برای همه پیروان راستین حق و حقیقت باشند. خدای سبحان در کتاب خود به هر فرد مسلمان و مومنی دستور می دهد تا خود و خانواده خود را از تقوای الهی و هدایت قرآنی بهره مند سازد؛ بنابراین، روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می شود و به جامعه ایمانی سرایت می کند.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کتابنامه

- قرآن کریم (ترجمه فولادوند)
- نهج البلاغه (ترجمه سید جعفر شهیدی)
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (م ۵۱۰ق)؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ چاپ اول: ۱۳۶۶ش.
- آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن؛ تهران: سروش؛ چاپ چهاردهم: ۱۳۷۴ش.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (م ۹۰۱ق)؛ عوالی النالی؛ ج ۴؛ قم: انتشارات سید الشهداء؛ چاپ اول: ۱۴۰۵ق.
- ابن بابویه؛ محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴؛ قم: موسسه انتشارات اسلامی؛ چاپ سوم: ۱۴۱۳ق.
- _____؛ علل الشرایع؛ نجف: حیدریه؛ ۱۳۸۶ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ق)؛ مسند احمد؛ ج ۶؛ بیروت: دارصادر؛ [بی تا].
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۲۵۹-۳۶۳ق)؛ دعائم الاسلام؛ ج ۲؛ مصر: دارالمعارف؛ چاپ دوم: ۱۳۸۵ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۴۸۸-۵۸۸ق)؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴؛ قم: علامه؛ ۱۳۷۹ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (م ۳۶۷ق)؛ کامل الزیارات؛ نجف: مرتضویه؛ ۱۳۶۵ش.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۲۰۹-۲۳۷ق)؛ سنن ابن ماجه؛ ج ۲؛ تحقیق: محمد فواد عبد الباقي؛ بیروت: دارالفکر؛ [بی تا].
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰-۷۱۱ق)، لسان العرب؛ ج ۱۵؛ [بی جا]، نشر ادب الحوزه؛ الطبعة الاولى: ۱۴۰۵ق.
- ابو داود، سلیمان بن اشعث (۲۰۲-۲۷۵ق)؛ سنن ابی داود؛ ج ۲؛ تحقیق: سعید محمد لحام؛ بیروت: دار الفکر؛ چاپ اول: ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- ابی یعلی، احمد بن علی (م ۳۰۷ق)؛ مسند ابی یعلی؛ ج ۱۳؛ تحقیق: حسین سلیم اسد؛ [بی جا، بی تا]؛ دارالمأمون للتراث.
- ارفع، کاظم؛ ترجمه قرآن؛ تهران: فیض؛ چاپ اول: ۱۳۸۱ش.
- اشرفی تیریزی، محمود؛ ترجمه قرآن؛ تهران: جاویدان؛ چاپ چهاردهم: ۱۳۸۰ش.
- الهی قمشه ای، مهدی؛ ترجمه قرآن؛ قم: فاطمه الزهرا علیها السلام؛ چاپ دوم: ۱۳۸۰ش.
- انصاریان، حسین؛ ترجمه قرآن؛ قم: اسوه؛ چاپ اول: ۱۳۷۳ش.
- بانوی ایرانی، سیده نصرت بیگم؛ مخزن العرفان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۵؛ تهران: نهضت زنان مسلمان؛ چاپ اول: ۱۳۶۱ش.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (م ۱۱۰۷ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵؛ تهران: بعثت؛ چاپ اول: ۱۴۱۵ق.
- بکری، عثمان بن محمد (م ۱۳۱۰ق)؛ اعانة الطالبین؛ ج ۴؛ بیروت: دارالفکر؛ چاپ اول: ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.
- جوادی آملی، عبدالله؛ رازهای نماز؛ ترجمه: علی زمانی قمشه ای؛ تنظیم و ویرایش: حسین شفیعی؛ قم: مرکز نشر اسراء؛ چاپ اول: ۱۳۸۲ش.
- _____؛ قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)؛ ۱، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۳۲۱-۴۰۵ق)؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۴؛ تحقیق: یوسف مرعشلی؛ بیروت: دارالمعرفة؛ ۱۴۰۶ق.
- حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث؛ چاپ اول: ۱۴۰۹ق.
- حسینی شیرازی، محمد؛ تقریب القرآن الی الاذهان؛ ج ۵؛ بیروت: دارالعلوم للطباعة و النشر؛ چاپ اول: ۱۴۲۴ق.
- حلبی، علی اصغر؛ ترجمه قرآن؛ تهران: اساطیر؛ چاپ اول: ۱۳۸۰ش.

- خليل بن احمد (۱۰۰-۱۷۵ق)؛ العین؛ ۸ج؛ تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای؛ [بی‌نا]؛ دارالهجره؛ چاپ دوم: ۱۴۰۹ق.
- رجبی، محمود، روش‌شناسی تفسیر قرآن، مولفان: علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی‌راد، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۷۹ش.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن؛ ۷ج؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات؛ چاپ اول: ۱۴۰۶ق.
- _____؛ ارشاد الازدهان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات؛ چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۸۴۹-۹۱۱ق)؛ جامع الصغیر؛ ۲ج؛ بیروت: دارالفکر؛ چاپ اول: ۱۴۱۰ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (قرن ۱۱ق)؛ تفسیر شریف لاهیجی؛ ۴ج؛ تهران: داد؛ چاپ اول: ۱۳۷۳ش.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۲۶-۲۱۱ق)؛ المصنف؛ ۱۱ج؛ تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی؛ [بی‌جا، بی‌تا]؛ المجلس الاعلمی. طاهری قزوینی، علی اکبر؛ ترجمه قرآن؛ تهران: قلم؛ چاپ اول: ۱۳۸۰ش.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ۲۰ج؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی؛ چاپ اول: ۱۴۱۷ق.
- _____؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ۲۰ج؛ مترجم: محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر نشر اسلامی؛ چاپ پنجم: ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن (۳۶۸-۴۵۸ق)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ۱۰ج؛ بیروت: دارالمعرفه؛ چاپ اول: ۱۴۰۶ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۹۷۹-۱۰۸۵ق)؛ مجمع البحرين؛ ۶ج؛ تهران: مرتضوی؛ چاپ سوم: ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ۱۰ج؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی؛ [بی‌تا، بی‌نا].
- _____؛ تهذیب الاحکام؛ ۱۰ج؛ تحقیق: حسن خرسانو محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه؛ چاپ چهارم: ۱۳۶۵ش.
- _____؛ الامالی؛ قم: دارالثقافه؛ چاپ اول: ۱۴۱۴ق.
- طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ ۱۴ج؛ تهران: اسلام؛ چاپ دوم: ۱۳۷۸ش.
- عسکری، حسن بن عبدالله (م ۳۹۵ق)؛ معجم الفروق اللغویه؛ تحقیق: مؤسسه النشر الاسلامی؛ قم: جامعه المدرسین؛ الطبعة الاولى: ۱۴۱۲ق.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن (روش‌شناسی تفسیر قرآن)، [ویرایش ۴]، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۵۴۴-۶۰۶ق)؛ مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)؛ ۱۱ج؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی؛ چاپ سوم: ۱۴۲۰ق.
- فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن؛ قم: دفتر مطالعات دارالقرآن الکریم؛ چاپ سوم: ۱۳۷۶ش.
- فیض الاسلام، علی نقی؛ ترجمه قرآن؛ تهران: فقیه؛ چاپ اول: ۱۳۷۸ش.
- قرائتی کاشانی، محسن؛ تفسیر نور؛ ۱۰ج؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ چاپ یازدهم: ۱۳۸۳ش.
- قرشی، علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ ۱۲ج؛ تهران: بنیاد بعثت؛ چاپ سوم: ۱۳۷۷ش.
- قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳)؛ تفسیر علی بن ابراهیم القمی؛ ۲ج؛ قم: دارالکتاب؛ چاپ سوم: ۱۴۰۴ق.
- کاوایانپور، احمد؛ ترجمه قرآن؛ تهران: اقبال؛ چاپ سوم: ۱۳۷۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی؛ ۸ج؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه؛ چاپ چهارم: ۱۳۶۵ش؛ گروهی از مترجمان؛ تفسیر هدایت؛ ۱۸ج؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ چاپ اول: ۱۳۷۷ش.
- مجتبوی، جلال‌الدین؛ ترجمه قرآن؛ تران؛ [بی‌نا]؛ چاپ دوم: ۱۳۷۶ش.

- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام؛ ۱۱۰ج؛ بیروت: موسسه الوفاء؛ ۱۴۰۴ق.
- محمودیان، حسین و دیگران؛ دانش خانواده؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، (سمت)؛ چاپ هشتم، ۱۳۸۷
- مشکینی، علی؛ ترجمه قرآن؛ قم: الهادی؛ چاپ دوم: ۱۳۸۱ش.
- مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن؛ ۱۶ج؛ تهران: کتاب؛ چاپ اول: ۱۳۸۰ش.
- مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران: صدرا؛ چاپ پنجم: ۱۳۶۸ش.
- _____؛ آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲ (شناخت قرآن - سوره حمد - قسمتی از سوره بقره) تهران: صدرا؛ چاپ پنجم: ۱۳۷۰ش.
- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
- معزی، محمد کاظم؛ ترجمه قرآن؛ قم: اسوه؛ چاپ اول: ۱۳۷۲ش.
- مفید، محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳ق)؛ الامالی؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید؛ چاپ دوم: ۱۴۱۳ق.
- مقاتل بن سلیمان (ق ۲هـ)؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ ۵ج؛ بیروت: دار احیاء التراث؛ چاپ اول: ۱۴۲۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ ترجمه قرآن؛ قم: دفتر مطالعات دارالقرآن الکریم؛ چاپ دوم: ۱۳۷۳ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه؛ ۲۹ج؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه. تاریخ چاپ متفاوت.
- نجفی خمینی، محمد جواد؛ تفسیر آسان؛ ۱۸ج؛ تهران: کتابفروشی اسلامی؛ چاپ اول: ۱۳۹۸ق.
- نسائی، احمد بن علی (۲۱۵-۳۰۳ق)؛ سنن نسائی؛ ۸ج؛ بیروت: دارالفکر؛ چاپ اول: ۱۳۴۸ق/۱۹۳۰م.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ۱۸ج؛ قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث؛ چاپ اول: ۱۴۰۸ق.